

## نقش تربیتی معلم در فرایند تعلیم و تربیت

معرفی مقاله:

دکتر بهرام محسن پور

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

نوشتار حاضر نخست به مفهوم تربیت به عنوان عمل آگاه‌سازی متربی و مورد مراقبت قرار دادن او از سوی مربی اشاره می‌کند. آنگاه مسأله کم‌توجهی به امر تربیت را در نظام‌های آموزشی دنیوی‌گری (سکولار) مورد بحث قرار می‌دهد و پیامدهای این کم‌توجهی را متذکر می‌شود. سپس با استناد به توصیه‌های مربیان و نظریه‌پردازان مسلمان، ضرورت توجه به تربیت را یادآور می‌شود، پس از آن، به بررسی نقش معلم در فرایند تربیت می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که تربیت با تعلیم پیوندی گسست‌ناپذیر دارد و معلم باید از همه فرصت‌ها و تجارب آموزشی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی دانش‌آموزان سود جویند.

نتیجه‌گیری پایانی مقاله این است که موفقیت معلم در امر تربیت، مستلزم تنظیم و تدوین برنامه‌های درسی با رویکردی تربیت‌محور و نسب تجدیدنظر در درس تربیتی مراکز تربیت معلم، به منظور آماده کردن دانشجو-معلمان برای ایفای نقش تربیتی آن‌ها در آینده است.

## ۱- مقدمه

تربیت به مفهومی که در این نوشتار مورد نظر می‌باشد، عبارت است از «فرایند آگاه‌سازی متربی و مورد مراقبت قرار دادن او به نحوی که به انجام بعضی رفتارها خو گرفته و انجام برخی رفتارها را ترک کند و نیز آسیب‌ها و لغزش‌های رفتاری را بشناسد.» (۱)

لذا تربیت در این جا فراتر از اثر ناپایدار و زودگذر شخصی بر شخص دیگر تلقی می‌شود و مفهومی گسترده‌تر از پند و اندرزگویی مربی به متربی پیدا می‌کند.

در جوامعی که نسبت به تربیت چنین نگرشی وجود دارد، نظام آموزش و پرورش از همه امکانات خود سود می‌جوید و تمهیدات لازم را برای برآورده شدن انتظارات تربیتی به کار می‌گیرد. به عنوان مثال، برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی به نوبه خود به محملی برای تحقق اهداف تربیتی مبدل می‌شوند. آموزه‌های دینی و اخلاقی عمدتاً منشاء تعیین حسن و قبح اعمال اخلاقی به شمار می‌روند و حدود و ثغور لغزش‌های رفتاری را مشخص می‌کنند و نیز معلمان می‌کوشند تا شاگردان را نسبت به لغزش‌های رفتاری آگاه سازند و آنان را به سنوی کسب رفتارهای پسندیده رهنمون شوند.

لیکن در آن دسته از جوامعی که نظام آموزش و پرورش رسمی صبغه دینی خود را از دست داده و اصطلاحاً سکولار<sup>۱</sup> شده است، تعلیم مباحث دینی و اخلاقی مبتنی بر دین متداول نمی‌باشد. به علاوه معلمان مجاز به بحث و تبادل نظر در خصوص مسایل مذهبی و تبیین باورهای دینی و اخلاقی نیستند، در نتیجه آنان از پرداختن به امر تربیت به مفهومی که پیش از این به آن اشاره شد، طفره می‌روند و دغدغه تربیت شاگردان را

۱- واژه سکولار در کتاب اسلام و دنیوی‌گری که مؤلف آن دکتر سید محمد نقیب العطاس و مترجمش احمد آرام می‌باشد به معنای دنیوی‌گری ترجمه شده است.

در درون خود احساس نمی‌کنند. از این رو می‌توان گفت که پرورش مهارت‌های ذهنی دانش‌آموزان به منظور شناخت جهان اطراف و درک پدیده‌های طبیعی و یا اجتماعی بدون ارتباط آن‌ها با مسایل معنوی، عمده‌ترین دل‌مشغولی متولیان امر تعلیم و تربیت، در این جوامع به شمار می‌رود.

متأسفانه در چنین جوامعی بروز رفتارهای غیراخلاقی و وقوع اعمال خشونت‌آمیزی مانند درگیری با اسلحه تخریب اموال مدرسه، جیب‌بری، استفاده از مواد مخدر دست زدن به اعمال منافی عفت و ... چنان در محیط مدرسه گسترش یافته است که انتشار اخبار آن حتی مسؤولان سیاسی این جوامع را به چاره‌اندیشی واداشته و آن‌ها را به چالشی سترگ فرا می‌خواهد. به عنوان مثال گزارش یک تحقیق ملی تحت عنوان "خشونت و مشکلات انضباطی در مدارس دولتی امریکا"<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۹۸ از سوی وزارت آموزش و پرورش این کشور منتشر شد و از یک بحران اخلاقی در مدارس امریکا پرده برداشت، مؤید این حقیقت است که رسیدگی به امر تربیت در نظام آموزشی جوامع دنیوی‌گری (سکولار) به دست فراموشی سپرده شده و بهای چندانی به آن داده نمی‌شود. (۲) اما خوشبختانه تعلیم و تربیت در کشور ما برخلاف جوامع سکولار، دارای صبغه دینی و اخلاقی و تربیت در آن، بنا بر یک سنت دیرینه، جایگاه بس مهمی دارد. یعنی تقویت بنیان‌های اخلاقی و اصلاح رفتار دانش‌آموزان مسؤولیتی است که نظریه‌پردازان تربیتی در گذشته بر آن تأکید داشته‌اند و آن را از مهم‌ترین وظایف و مسؤولیت‌های معلمان برشمرده‌اند. برای مثال قابسی (۴۰۳-۳۲۴، ه ق) یکی از نظریه‌پردازان متقدم در بخشی از رساله‌ای با عنوان *الرساله المفصله لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین*، به تشریح وظایف معلمان می‌پردازد و یادآور می‌شود که معلمان باید وظیفه خود بدانند که از کارهایی مانند دزدی، ربا، فسادانگیزی و بزهکاری جلوگیری کنند و مانع شیوع این نوع رفتارها در میان دانش‌آموزان شوند. (۳)

ابن سحنون (۲۵۶-۲۰۳، ه.ق)، یکی دیگر از نظریه‌پردازان مسلمان، در یکی از آثار خود به نام *آداب المعلمین* می‌نویسد: "از مهم‌ترین وظایف معلم این است که دانش‌آموزان را با مسایل اخلاقی آشنا و آنها را نصیحت و ارشاد کند و مراقب باشد تا به انحرافات اخلاقی و کج‌رفتاری دچار نشوند" (۴) همچنین زین‌الدین عاملی جبعی صاحب کتاب *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، در مورد وظایف معلم نسبت به شاگرد این‌گونه می‌نویسد: "معلم باید مراقب باشد که سخنان بی‌هوده از شاگردان او صادر نشود و از معاشرت آنان با اشخاص نامناسب و امثال این‌گونه اعمال ناروا جلوگیری و مخالفت نماید. برای پیش‌گیری از سوء رفتار شاگردان و جلوگیری از ارتکاب خلاف، لازم است معلم با ایما و اشاره و تعریض و کنایه، راه‌گشای تربیت اخلاقی شاگردان باشد و از تخلف آن‌ها جلوگیری کند. (۵)

محمد بن مرتضی مشهور به ملا محسن فیض کاشانی از دیگر نظریه‌پردازان مسلمانی است که در کتاب خود به نام *الحقایق* که تألیف آن در سال ۱۰۹۰ هجری قمری به پایان رسیده است، در فصل‌های نهم و دهم آن مطالبی تحت عنوان صفات متعلم و معلم آورده است که شنیدنی است. او در خصوص صفات متعلم چنین می‌نویسد:

"شایسته است فردی که در صدد آموختن دانش بر می‌آید، خوشتن را از اخلاق زشت و رفتارهای ناپسند پاک سازد. زیرا دانش، عبادت قلبی و نماز پنهانی است و همان که آدمی می‌تواند با آن به خدای خود تقریب پیدا کند."  
و نیز درباره وظایف معلم می‌گوید:

معلمی که بر سریر تعلیم جای گرفت و بدین منصب بزرگ مفتخر گردید، بایستی در امر تعلیمی خود به هیچ‌وجه طمع نداشته باشد دانشجویانی را که در محضر او زانو زده‌اند و به قصد بهره‌مندی از علم نزد او آمده‌اند، خالصانه لوجه‌الله تعلیم دهد و با آن‌ها به مهربانی رفتار کند. از پند و اندرز دادن به آن‌ها خودداری ننماید و سخن در خور فهم آنان بگوید و بذر دانش را در سرزمین دل اهل دانش غرس کند. (۷)

با توجه به توصیه‌های مؤکد نظریه‌پردازان پیشین درباره تأثیر معلمان در تربیت دانش‌آموزان و نیز با توجه به جایگاهی که امروز سیاست‌گذاران آموزشی برای امور تربیتی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور قابل هستند، جا دارد که این نقش به خوبی برای معلمان تبیین و راه‌کارهای مناسب برای ایفای این نقش جستجو شود.

## ۲- اهمیت فرایند تربیت

می‌دانیم که محیط زندگی اعم از محیط خانواده، همسالان و اجتماع تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان می‌گذارند و در شکل دادن اندیشه‌ها و نگرش‌های آنان دخالت فراوان دارند. معلمان از این نکته آگاه بوده‌اند و توصیه آن‌ها به دانش‌آموزان این است که از همنشین بد دوری گزینند تا اخلاق رذیله هم‌نشینان ناباب در روح و روان آن‌ها رسوخ نکند و آنان را به تباهی نکشاند. این مطلب در اصل مسورد توجه اولیای دین و معصومان - علیهما السلام - بوده است و آنان اهمیت این نکته را به فرزندان و یاران خود گوشزد کرده‌اند. حضرت - علیه السلام - در وصیت به امام حسن - علیه السلام - چنین توصیه می‌کند: "وَأَمَّا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ". و دل جوان هم چون زمین ناکشته است، هر چه در آن افکنند، بپذیرد (۶). بر این اساس، دور نگاه داشتن کودکان، نوجوانان و جوانان از محیط‌های ناسالم در گذشته مورد توجه خانواده‌ها و معلمان بوده است و امروز نیز به آن توجه می‌شود. البته باید به خاطر داشت که تأثیر عوامل محیطی بر رفتار دانش‌آموزان در گذشته به گستردگی امروز نبوده است. امروزه عوامل محیطی گوناگونی از جمله رادیو، تلویزیون، فن‌آوری نوین اطلاع‌رسانی، روزنامه، کتاب و سینما می‌توانند بر اندیشه و کنش دانش‌آموزان اثر بگذارند و رفتار آن‌ها را در جهت‌هایی خاص سوق دهند. برای مثال، در چند سال اخیر شمار قابل ملاحظه‌ای از شهروندان ایرانی به شبکه اینترنت دسترسی پیدا کرده‌اند و فرزندان آن‌ها می‌توانند به سایت‌های متنوع و بی‌شمار موجود در اینترنت وارد شوند و به اطلاعات مورد نظر خود دست یابند. متأسفانه در حال

حاضر سایت‌هایی در اینترنت وجود دارد که به نشر عکس‌های مستهجن و مطالب غیراخلاقی می‌پردازند و کودکان و جوانان را در سراسر دنیا به فساد و تباهی اخلاقی سوق می‌دهند. در تهران و سایر کلان شهرهای ایران، "کافی‌نت"ها<sup>۱</sup> دسترسی نوجوانان و جوانان را به شبکه اینترنت و گپ و گفت‌وگوی تلفنی میسر می‌سازند. لوح فشرده نیز از دیگر ابزارهای رایانه‌ای است که استفاده از آن برای نشر و انتقال مطالب غیراخلاقی، گستردگی چشم‌گیری پیدا کرده است.

افزون بر اینترنت، برخی از شبکه‌های تلویزیونی بین‌المللی به صورتی فعال و با تمام توان به میدان آمده‌اند و می‌کوشند تا الگوی رفتاری و نظام ارزشی گردانندگان خود را بر جوانان تحمیل کنند و موجب بیگانگی آنان با فرهنگ‌شان شوند.

در چنین شرایطی، جوامعی هم‌چون جامعه ما که نمی‌خواهند نسل پویا و جوانش دچار استحاله فرهنگی شود و نیز نمی‌تواند شاهد کجروی‌های نوجوانان و جوانان باشد، باید بیش از پیش از نظام آموزشی یاری جوید، برای فرایند تربیت اهمیت فراوانی قایل شود و با رویکرد جدیدی به فرایند تربیت و امور تربیتی بنگرد. در پرتو رویکرد جدید، نه تنها امر پرورش از تعلیم جدایی‌ناپذیر است بلکه با جزیان آموزش درهم می‌آمیزد و با آن گره می‌خورد. هر اقدام آموزشی متضمن پیام پرورشی خاص برای شاگردان خواهد بود. از این پس، گروهی پرورشکار خبره مستقلاً متولی امر تربیتی نخواهند بود و تعلیم جدا از تربیت تلقی نمی‌شود بلکه این رسالت سنگین توأم با تربیت مستمر، به معلم واگذار می‌گردد و سکان اصلی آموزش و پرورش به او سپرده می‌شود.

بنابراین و در چارچوب چنین انتظاراتی، تربیت عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، شناختی و جسمی دانش‌آموزان مستقل و منفک از هم نخواهد بود. موارد یاد شده مکمل یکدیگرند و به عنوان یک کل به آن‌ها نگریسته می‌شود. برای مثال، هنگامی که معلم ورزش سرگرم آموزش مهارت‌های بدنی و فعالیت ورزشی است، اگر مشاهده کند که

۱- مراکزی که ارتباط افراد را با شبکه اینترنت برقرار می‌کند. (مراکز رایانه‌ای)

برخی از دانش‌آموزان برای رسیدن به خواست خود به زور و رفتارهای خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند و عواطف تند و تیزی از خود بروز می‌دهند، بی‌تفاوت از کنار این مسأله نخواهد گذشت و به ادای چند کلمه پندآمیز در حین بازی و ورزش بسنده نخواهد کرد بلکه در فرصت مناسب، جلساتی با شرکت دانش‌آموزان تشکیل می‌دهد و در این جلسه‌ها از دانش‌آموزان می‌خواهد که درباره رفتار خشونت‌آمیز هم‌کلاسی‌های خود به بحث و اظهارنظر بپردازند. سرانجام، او جلسات بحث را به گونه‌ای هدایت می‌کند که دانش‌آموزان خود به این نتیجه برسند که در جریان ورزش باید رفتارهای خشونت‌آمیز را رها کرد و به فرو خوردن خشم، بردباری و تحمل دیگران روی آورد. اگر با این دید به نقش تربیتی معلمان بنگریم، معلوم می‌شود که در کنار آموزش مهارت‌ها، پرورش بُعد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان نیز مورد توجه است و وجه تربیتی فرایند آموزش و پرورش مغفول نمی‌ماند.

معلم تاریخ در کنار رویکردهای مختلفی که در مورد آموزش تاریخ وجود دارد، بر حسب ضرورت، تاریخ را با رویکرد عبرت‌آموزی نیز آموزش می‌دهد. او می‌کوشد درس را با نتیجه‌گیری به سود تربیت شاگردان به پایان رساند؛ یعنی، شاگردان می‌توانند با انسان‌هایی که در گذشته به بشریت خدمت کرده‌اند، آشنا شوند، ستم‌پیشگانی که انسان‌ها را به زیر یوغ ستم کشیده‌اند، بشناسند و ارزش‌ها را از ضد ارزش‌ها باز شناسند.

از این پس، مسؤولیت معلم تعلیمات دینی بر خلاف رویکردهای سنتی، منحصرراً تدریس آموزه‌های دینی نیست و ارزش‌یابی از آموخته‌ها و مهارت‌های ذهنی دانش‌آموزان پایان فعالیت آموزشی تلقی نمی‌شود. در این زمان، معلم دینی به دانش‌آموزان کمک می‌کند که باورهای دینی خود را عمق بخشند، با شخصیت‌هایی که از این نظر اسوه حسنه‌اند، آشنا شوند و تا حد ممکن آنان را الگوی رفتاری خود قرار دهند.

آموزش اخلاق نیز مانند آموزش‌های دینی از شیوه سنتی فاصله می‌گیرد و سبک و سیاق خاصی پیدا می‌کند. در این‌جا وظیفه معلم در زمینه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، از وظیفه معلم اخلاق فراتر است. معلم اخلاق فعالیتی نظری دارد و وظیفه او انتقال و آموزش مفاهیم و توجیه قواعد و احکام اخلاقی است. در حالی که مسؤلیت معلم در مورد تربیت اخلاقی این است که علاوه بر آموزش مفاهیم اخلاقی و ایجاد زمینه ذهنی لازم با بهره‌گیری از روش‌های روان‌شناختی، دانش‌آموزان را به انجام دادن اعمال اخلاقی تشویق کند. (۷)

معلم جغرافیا به هنگام تدریس این درس، طبیعت را چنان معرفی می‌کند که میان انسان و آن الفت و آشتی ایجاد شود. حفظ محیط زیست را به عنوان یک ارزش مقبول مطرح کند، ارج نهادن به مواهب طبیعی را به عنوان برطرف‌کننده نیازهای انسان گوشزد می‌کند و تخریب بی‌رویه و غیراصولی مواهب و منابع طبیعی را نامعقول می‌داند و می‌کوشد تا شاگردان نسبت به پاسداری از طبیعت به عنوان یک نعمت خدادادی نگرشی مثبت کسب کنند.

معلم شیمی خود را ملزم می‌داند که در جریان آزمایش‌های شیمیایی، دقت، نظم، حفظ اموال مدرسه، صرفه‌جویی، پاکیزگی و سایر اموری را که در فرهنگ کار ارزش تلقی می‌شوند، به شاگردان بیاموزد و آنان را به رعایت این کارها ترغیب کند.

در مجموع، هر معلمی در حوزه کار خود و متناسب با موضوعات مورد تدریس می‌کوشد فرایند آموزش را با پرورش تلفیق کند و رسالت تربیتی خویش را در حد امکان به نحو مطلوب به انجام برساند. البته ممکن است ادعا شود که به تبع چنین رویکردی، شیوه سازمان‌دهی و ارایه برنامه‌های درسی نیز به تجدیدنظر و بازنگری نیاز خواهد داشت. به گونه‌ای که هر موضوع درسی متناسب با شأن خود، محملی برای تسهیل امر تربیت می‌شود. بدون شک، چنین ضرورتی احساس می‌شود اما این به عهده برنامه‌ریزان درسی است که در این مورد اظهارنظر کنند و رهنمودهای لازم را ارائه دهند.



### ۳- الگو بودن معلم

تحقق اهداف تربیت با توجه به توصیفی که از آن به دست داده شد، به مقیاسی وسیع در گرو رفتار و منش معلم است. در نظام تعلیم و تربیت متداول در سرزمین‌های اسلامی، پر منزه بودن معلم و متصف بودن او به صفات اخلاقی تأکید فراوان شده است و نظریه‌پردازان مسلمان نیز اهمیت این موضوع را متذکر شده‌اند. برای مثال، برهان‌الدین زرنوجی، از متفکران مسلمان قرن ششم هجری قمری، در یکی از آثار خود به نام "تعلیم‌المتعلم" در مورد اخلاق و ویژگی‌های معلم می‌نویسد: معلم باید دارای آراستگی باطن، عزت نفس و دوری از اخلاق و رفتار ناپسند باشد. (۸)

سایر نظریه‌پردازان مسلمان که در ادوار گذشته دربارهٔ تعلیم و تربیت نظریاتی ابراز داشته‌اند- مانند زرنوجی- نیز متصف بودن معلم به صفات اخلاقی نیکو را از اصلی‌ترین ویژگی‌ها و صلاحیت‌های معلمی برشمرده‌اند؛ زیرا معلمی که شاگردان خود را از انجام دادن کارهای ناپسند باز می‌دارد و به کسب رفتارهای مطلوب تشویق می‌کند، باید خود عامل به رفتار شایسته و پسندیده باشد تا علاوه بر سخنانش، اعمالش نیز نسافذ و مؤثر واقع شود.

### ۴- تربیت معلم

در این میان، باید به دو نکته توجه کرد: نخست گزینش معلمان و دیگر آموزش آنان. در مورد گزینش، باید ضوابط موجود را مورد مذاقه و ارزیابی مجدد قرار داد تا اگر معیارهای مربوط به صلاحیت‌های اخلاقی و منشی مغفول مانده‌اند، آن‌ها را احیا و مورد تأکید قرار داد و حتی‌الامکان با استفاده از معیارهای عینی اشخاص صاحب صلاحیت را برای این مسؤولیت خطیر برگزید.

نکتهٔ حایز اهمیت در مورد تربیت معلم، بازنگری مجموعهٔ دروس علوم تربیتی مراکز تربیت معلم و دانشگاهها در دوره‌های کاردانی و کارشناسی و نیز هماهنگ کردن آن‌ها با روش "تلفیق تربیت با تعلیم" است. اگر چه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت

علوم، تحقیقات و فن‌آوری برای دوره‌کارדانی ۱۷ و برای دوره‌کارشناسی ۲۵ واحد درس تربیتی در نظر گرفته است،<sup>۱</sup> اما با نگاهی به سرفصل‌های دروس مذکور می‌توان دریافت که تنها در درس کلیات روش‌ها و فنون تدریس (نظری) آن هم به اختصار، به مدیریت کلاس و شیوه‌های برقراری نظم و انضباط اشاره شده و در سایر دروس، پرداختن به مسایل تربیتی و نحوه تلیفیک آن با فرایند تعلیم مورد توجه قرار نگرفته است. این بدان معناست که در جریان آماده‌سازی معلمان، رسالت تربیتی آنان مورد توجه قرار نگرفته است تا آن‌ها برای انجام دادن این مسؤولیت خطیر مهیا شوند؛ بنابراین، جا دارد در دروس روان‌شناسی تربیتی، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، کلیات راهنمایی و مشاوره، اصول و فلسفه آموزش و پرورش و نیز مبانی برنامه‌ریزی درسی، مباحثی درباره تلیفیک تربیت با تعلیم گنجانده شود تا دانشجویان این نگرش را کسب کنند که تعلیم و تربیت فرایندی یک‌پارچه و تفکیک‌ناپذیر است و آموزش و پرورش صرفاً تدریس صرف مطالب و موضوعات درسی نیست.

پس از آن‌که دانشجوی-معلمان با مبانی نظری این تفکر آشنا شدند، باید در قالب درس کلیات و روش‌ها و فنون تدریس (عملی) و درس معلمی (۲و۱) و نیز در چارچوب پروژه‌ها و طرح درس‌هایی که زیر نظر مربیان خود تدارک می‌بینند، آموخته‌های خود را به کار گیرند و سرانجام نحوه تلیفیک تربیت با تعلیم را در عمل تمرین کنند و آمادگی لازم را برای رسالتی که در پیش دارند، به دست آورند. در این

۱- مجموعه دروس تربیتی دوره‌کاردانی عبارت‌اند از: روان‌شناسی عمومی، روان‌شناسی تربیتی، کلیات روش‌ها و فنون تدریس ۱ و ۲، طراحی، تولید و کاربرد مواد آموزشی، اندازه‌گیری و سنجش پیش‌رفت تحصیلی، کلیات راهنمایی و مشاوره، تمرین معلمی، ۱ و ۲، مقدمات روش‌های مطالعه و فنون تحقیق، به علاوه، مجموعه دروس تربیتی دوره کارشناسی شامل دروس مذکور به اضافه دروس اصول و فلسفه آموزش و پرورش، مبانی برنامه‌ریزی درسی، سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش و تحقیق با تأکید بر علوم تربیتی است.

صورت، آن‌ها می‌توانند مدارس، دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها را به کانون تربیت توأم با تعلیم مبدل سازند.

### نتیجه‌گیری

پیش از آن‌که سخن را به پایان ببریم، به نظریه سیستمی استناد می‌جویم و کلام را به آخر می‌رسانیم. بر اساس نظریه سیستمی، جامعه یک سیستم بزرگ است که مدرسه، خانواده، مراکز تربیت معلم، جو حاکم بر مدرسه، تشکل‌های دانش‌آموزی و ... زیرمجموعه‌های آن به شمار می‌آیند. این زیرمجموعه‌ها که هر یک به نوبه خود سیستمی کوچک‌تر تلقی می‌شوند، نه مستقل از یک‌دیگر بلکه با هم در تعامل‌اند. آن‌ها می‌توانند هماهنگ باشند و فعالیت‌های یک‌دیگر را تقویت نمایند یا در کار هم اختلال ایجاد کنند. بر این اساس، معلم زمانی می‌تواند نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کند که میان رفتارها، هنجارها و نظام ارزشی او و هنجارهای سایر خرده سیستم‌های درون جامعه هماهنگی وجود داشته باشد؛ یعنی، دیگر خرده سیستم‌ها نقش تربیتی او را خنثی نکنند و این مسأله‌ای است که جامعه در کل باید به آن بیندیشد. از این‌رو ساده‌اندیشی است اگر انتظار داشته باشیم که معلم می‌تواند مستقل از تأثیر سایر خرده سیستم‌ها نقش خود را به خوبی ایفا کند. این نقش بدون شک در گرو هماهنگی میان همه عواملی است که در امر تربیت دخیل و مؤثرند.

## منابع

- 1- US Department of Education, Violence and Discipline problems in US. Pubic schools, 1996 US. Department of Education.
- ۲- شاملی، عباسعلی؛ در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام کتاب تربیت اسلامی، ویژه تربیت اخلاقی، کتاب دوم به کوشش محمدعلی حاجی ده‌آبادی و علیرضا صادق‌زاده قمصری، قم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، سال ۱۳۷۹، صفحات ۱۶-۲۰.
- ۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی، (جلد اول) تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷، صفحه ۷۷.
- ۴- همان. صفحه ۱۵۱.
- ۵- عاملی جبعی، زین‌الدین؛ منیة‌المیریدی آداب المفید و المستفید، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۵۹، صفحه ۲۲۸.
- ۶- فیض کاشانی، ملامحسن؛ الحقایق، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران: انتشارات علمیه، ۱۳۴۰، صفحه ۶۵.
- ۷- همان صفحه ۶۷.
- ۸- شهیدی، سید جعفر؛ نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، صفحه ۲۹۷.
- ۹- فتحعلی‌خانی، محمد؛ رابطه دین و تربیت اخلاقی، کتاب تربیت اسلامی، ویژه تربیت اخلاقی، کتاب دوم به کوشش محمد علی حاجی ده‌آبادی و علیرضا صادق‌زاده قمصری، قم مرکز مطالعات اسلامی، سال ۱۳۷۹، صفحه ۱۰۲.
- ۱۰- بهشتی، محمد؛ و دیگران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد دوم، قم تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۹، صفحه ۶۴.
- ۱۱- نقیب‌العطاس، سید محمد؛ اسلام و دنیوی‌گری ترجمه احمد آرام. تهران انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاهی، ۱۳۷۴.